



Irano-Islamic Research in Politics, Vol.3, No1, 51-67.

Comparative study of political ethics in Kalila-Demna and Machiavelli`s Prince¹

Mohammadjavad Safdel Tehrani²

Aliakbar Amini³

Ahoura Rahbar⁴

Abstract

To clarify and explain political issues, including in the field of politics and the field of Eastern civilization, "Kalila-Demna" is considered one of the prominent works that the thinkers belonging to the field of Western civilization acknowledge more than the Eastern ones. The main hypothesis of this article is that despite the time gap of two thousand years between two works in the field of political ethics, there are similarities between them, although there are also contradictions between them. When we compare the two amoral characters, "Lion" and "Prince" based on Karen Horne's methodology in terms of typology, character and behavior, we find similarities between them. But even in this area of moral issues, the difference between the message that Kalila-Demna conveys to the reader and what Prince says is very significant. On the other hand, in Kalila-Demna, violating moral principles is condemned, while in Prince, the ruler is allowed to violate morals without being blamed or condemned.

Keywords Kalila-Demna, Ethics, Machiavelli, Prince, Antimoral, Political ethics.

پرتال جامع علوم انسانی

1. Received: 09/02/2024; Accepted: 07/05/2024; Printed: 19/06/2024

2 Ph.D. Candidate, Department of political science, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. safdel48@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Political Science, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran (Corresponding Author). amini.aliakbar@yahoo.com

4. Assistant Professor, Department of Political Science, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. ahoura.rahbar22@gmail.com



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال سوم، شماره اول (پیاپی نهم) بهار ۱۴۰۳، ۵۱-۶۷.

بررسی تطبیقی اخلاق سیاسی در کلیله و دمنه و شهریار ماکیاولی^۱

محمدجواد صافدل طهرانی^۲

علی اکبر امینی^۳

اهورا رهبر^۴

چکیده

برای تبیین و توضیح موضوعات سیاسی از جمله در حوزه سیاست و حوزه تمدن شرق، «کلیله و دمنه» یکی از آثار برجسته به شمار می‌رود که اندیشمندان متعلق به حوزه تمدن غربی بیش از شرقی‌ها بر آن اذعان دارند. فرضیه اصلی این مقاله آن است که با وجود فاصله زمانی دوهزارساله بین دو اثر در حوزه اخلاق سیاسی، مشابهت‌هایی بین آن دو به چشم می‌خورد، هرچند مفارقت‌هایی نیز بین‌شان هست. موقعی که دو شخصیت اخلاق‌گریز یعنی «شیر» و «شهریار» را بر پایه روش‌شناسی کارن هورنای از نظر تیپولوژی، منش و رفتار با هم مقایسه می‌کنیم، مشابهت‌هایی میان آن دو می‌یابیم. لیکن حتی در همین حوزه مسائل اخلاقی، پیامی را که کلیله و دمنه به خواننده منتقل می‌کند با آنچه شهریار واگویی می‌کند، تفاوت‌ها بسیار چشمگیر است. بر روی هم در کلیله و دمنه زیر پا نهادن اصول اخلاقی نكوهش می‌شود، حال آنکه در شهریار فرمانروا مجاز است اخلاق را زیر پا بگذارد بدون اینکه سرزنش یا نكوهش شود.

واژگان کلیدی: کلیله و دمنه، اخلاق، ماکیاولی، شهریار، پاداخلاق، اخلاق سیاسی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۸؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۳/۳۰

۲. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران
safdel48@gmail.com

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول).
amini.aliakbar@yahoo.com

۴. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران
ahoura.rahbar22@gmail.com

مقدمه

تعداد آثاری که در دنیا مرزهای جغرافیایی را دنوردیده‌اند و «جهانی» شده‌اند، صرف نظر از کتاب‌های دینی، انگشت‌شمارند. شاید بتوان گفت «شاخه زرین» یکی از مؤخرترین و کلیله و دمنه یکی از قدیمی‌ترین آنهاست. این اثر مشهور که بنیادهایش را در شبه‌قاره هند جست‌وجو کرده‌اند، اما مجموعه آن که جنبه‌های مهمی از فضای فکری و فرهنگی ایران را نیز در بر دارد و از سرزمین خسروان به همه جا سرازیر شد، به‌راستی از اسناد مهم و معتبر تمدن‌هاست (سجادی، ۱۳۸۲، ۴۰). به گفته فرانسوا دوبلوا که در مورد کلیله و دمنه مطالعات گسترده‌ای دارد، «کتاب کلیله و دمنه از جمله اسناد و منابع معتبر تاریخ روابط تمدن‌هاست. از راه بررسی تاریخ این اثر می‌توان فرایند انتقال محصولی فرهنگی از سرزمین هند را نخست به ایران و آنگاه به جهان اسلام و از آنجا به اروپا و سراسر جهان بازساخت» (دوبلوا، ۱۳۸۲، ۵). بنابراین می‌توان گفت کلیله و دمنه یک اثر «هیبریدی» است (اقلیدی، ۱۳۸۲، ۱۸).

استاد عبدالعظیم قریب که یکی از ایرانیان پیش‌کسوت دل‌داده به این اثر است، چنین می‌نویسد: «کتاب کلیله و دمنه ترجمه و نگارش ابوالمعالی نصرالله محمدبن عبدالحمید منشی و نویسنده معروف، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کتاب‌های نثر فارسی است که خوشبختانه از صرصر حوادث ایام مصون مانده و به دست ما رسیده است» (قریب، ۱۳۳۲، ۴). از این روی تمام آنان که در پژوهش‌های سیاسی با رویکرد فرهنگی و تمدنی دست به تحقیق می‌زنند و در پی آندک که ریشه نخل کهنسال علم و سیاست را در ایران شناسایی کنند، لازم است به سراغ این اثر و دیگر آثار همانند آن بروند.

بیان مسئله

اندیشمندان حوزه اخلاق و سیاست از دیرباز تاکنون بین این دو مقوله، یکی از سه نسبت زیر را برقرار کرده و در آن زمینه بحث کرده‌اند:

۱- تفکیک اخلاق از سیاست: این رویکرد معتقد است آنچه برای سیاست مهم است، تاثیرگذاری است. اعمال سیاسی را نباید با ملاحظات اخلاقی و مسئله خیر و شر محدود کرد (دروز، ۱۳۸۵، ۲۷). رئالیست‌ها پیرو این الگو هستند و معتقدند توجه به اخلاق به ناکامی در سیاست منجر می‌شود. اخلاق بر مدار حق،

حقیقت، فضیلت و ارزش‌ها می‌چرخد؛ حال آنکه سیاست بر حول محور قدرت، مصلحت و منفعت در چرخش است. ماکیاولی به نوعی بنیان‌گذار این رابطه است و بعد از او، پوزیتیویست‌ها نیز همین رویه را دارند.

۲- اولویت سیاست بر اخلاق یا به عبارت دیگر تبعیت اخلاق از سیاست: این نظریه بیشتر در میان مارکسیست‌ها طرفدار دارد. بر اساس آن، اخلاق تابع بی‌قیدوشرط سیاست است و باید در خدمت سیاست و تأمین منافع سیاسی به کار گرفته شود (کاظمی، ۱۳۷۶، ۲۶). در این رویکرد هم می‌توان رگه‌هایی از اندیشه‌های ماکیاولی را مشاهده کرد.

۳- یگانگی اخلاق و سیاست: در مقام مفهوم‌بندی، اخلاق به مثابه سیاست و سیاست به مثابه اخلاق است که می‌توان آن را سیاست اخلاقی یا اخلاق سیاسی نامید. به بیان دیگر طبق این رویکرد، اخلاق، سیاست فردی و سیاست، اخلاق جمعی است. هر آنچه در سطوح فردی غیراخلاقی محسوب شود، در سطح جمعی نیز غیراخلاقی است. در سنت فلسفی ما اغلب چنین رابطه‌ای بین اخلاق و سیاست دیده شده است.

کلیله و دمنه از جهاتی همانندی‌هایی با شاخه زرین نوشته «جیمز جورج فریزر» دارد. هر دو کتاب‌هایی بین‌قاره‌ای هستند و بر فراز قاره‌ها و تمدن‌ها حرکت می‌کنند. فریزر معتقد بود غالب رفتارهای امروزی، یادگاری از اعصار گذشته‌اند. او که در پی کشف مشترکات فرهنگی، تمدنی، عقیدتی و سبک زندگی مردمان مختلف در سراسر جهان و در پهنه تاریخ است، بر آن بود که از علل بنیادین «تابو» پرده بردارد؛ چون معتقد بود «تابو حصار بر گرد فرهنگ‌هاست، برج دیدبانی تعصب و قبیله‌گرایی و مرزبندی» (فریزر، ۱۳۷۸، ۱۶). کتاب شهریار نیز با همه ایجاز و اختصار که دارد، به نوعی کتابی بین‌قاره‌ای و فراتمدنی است که آوازه‌اش در همه دانشگاه‌های جهان پیچیده است. از این‌رو از حیث شهرت و گستره دامنه با کلیله و دمنه و شاخه زرین می‌تواند برابری کند. می‌توان گفت در دانشگاه‌های ایران شوربختانه بیشتر با شهریار آشنای هستند تا کلیله و دمنه. به‌طور کلی می‌توان گفت ادبیات و هر متن ادبی، «یک زبان است، تاریخ هم هست و در عین حال به منزله رابطه‌ای است با سایر مکان‌ها (فضاها)، با سایر زبان‌ها، با سایر تاریخ‌ها، سایر ادبیات‌ها و سایر زبان‌ها» (پاز، ۱۳۸۱، ۱۱۸). هر پژوهشگری که بخواهد سرچشمه تمدن، علم و اخلاق را بشناسد، در گام نخست باید دست به واکاوی متون ادبی بزند. «راز اینکه انسان در طول حیات تکاملی خویش چگونه علم، هنر

و اخلاق و در یک کلمه تمدن را آفریده، در گام نخست در لابه لای اوراق زرین ادبیات کهن نهفته است» (جینز، ۱۳۹۲، ۱۱).

اخلاق سیاسی به معنی کاربرد مضامین اخلاقی در حوزه سیاست است. در اینجا مفاهیمی همچون وفای به عهد، امانتداری، دادگری، مدارا، راست‌کرداری، حق‌مداری نفیاً یا اثباتاً در کانون توجه دولتمردان قرار دارند. به تعبیر دیگر می‌توان گفت آنچه برای حفظ دولت و پاسداری از آن ضروری می‌نماید، همین اخلاق سیاسی است (عضدانلو، ۱۳۷۴، ۱۹).

روش پژوهش

بنا بر ماهیت موضوع، سه روش زیر می‌تواند به عنوان الگوی پژوهشی، مطالعاتی و راهبردی در این مقاله مورد استفاده قرار گیرد.

نخست متد روان‌شناسی کارن هورنای به‌ویژه در کالبدشکافی شخصیت‌هایی مثل شیر و دمنه در کلیله و دمنه و سزار بورژیا در شهریار که بر مبنای این روش بهتر قابل درک و توصیف‌اند. اما برای تبیین هر دو متن از شیوه‌گفتمان و هرمنوتیک نیز می‌توان سود جست. پس بهتر آن است که از یک شیوه ترکیبی سود ببریم و در عمل نیز همین کار صورت گرفته است. بدیهی است که در یک مقاله نمی‌توان به تشریح و توصیف این شیوه پرداخت.

پرسش پژوهش

پرسشی را که در پی پاسخ آن هستیم، این است؛ وجوه تشابه و تفاوت کلیله و دمنه و شهریار در حوزه اخلاق سیاسی چیست؟

فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی این مقاله آن است که با وجود فاصله زمانی دوهزارساله بین دو اثر در حوزه اخلاق سیاسی، مشابهت‌هایی بین آن دو به چشم می‌خورد، هرچند مفارقت‌هایی نیز بین‌شان هست.

پیشینه پژوهش

کلیله و دمنه و شهریار از جمله آثار هیبریدی، چندرگه و فراتمدنی هستند که درباره محتوا و مضمون‌شان کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی نوشته شده است که از میان آن به چند مورد اشاره می‌کنیم:

فرانسوا دوبلوا (۱۳۸۲) در کتاب برزویه طبیب و منشأ کلیله و دمنه اطلاعات بسیار گسترده و سودمندی را در مورد چگونگی تألیف و سپس دستیابی ایرانیان (برزویه طبیب) به آن و آنگاه ترجمه‌اش به عربی در اختیار خوانندگان می‌گذارد، اما در حوزه اخلاق چندان ورود نمی‌کند.

عبدالعظیم قریب (بدون تاریخ) «متن کامل کلیله و دمنه»؛ استاد قریب، پیش‌کسوت همه آنانی است که در این حوزه تحقیق و تفحص کرده‌اند و متن تصحیح ایشان، یکی از معتبرترین کتاب‌هاست. کتاب با زیرنویس لغات و با معنی همراه شده و نیز لغات عربی به فارسی برگردانده شده است.

مجتبی مینوی (۱۳۸۷) که خود از دست‌پروردگان استاد قریب بوده است، کوشیده که کتاب خود، کلیله و دمنه را بر بنیان روایت و ادبیات جدیدتری منتشر کند. او هرچند کارش به پای کار استاد قریب نمی‌رسد، ولی به صورت تطبیقی دیدن، بر غنای کار می‌افزاید و خواننده باید با توجه به شاخص‌هایی که برای اخلاق سیاسی دارد، از این دو متن بهره‌گیری کند.

افزون بر این سه متن که بنیان پژوهش بر آن استوار شده است، در لابه‌لای آثار صاحب‌نظران نیز مطالبی در مورد کلیله و دمنه به چشم می‌خورد که برای پرهیز از اطاله کلام صرفاً به آن اشاره می‌شود: استادان محمدابراهیم باستانی، عبدالحسین زرین‌کوب (در چندین کتاب)، عبدالحسین سعیدیان، فریدون جنیدی، احسان یارشاطر، ذبیح‌الله صفا، ادوارد براون نیز هر کدام در مورد این کتاب مباحثی را مطرح کرده‌اند که از آن میان، سهم قدر استاد زرین‌کوب از بقیه شامخ‌تر و افزون‌تر است.

داریوش آشوری (۱۳۷۲) ماکیاولی و اندیشه رنسانس؛ این کتاب موجز ۹۰ صفحه‌ای از یک مقدمه و سه فصل تشکیل یافته که یک فصل آن تفسیری بر

شهریار است و فصل دیگرش تفسیری بر گفتارها. در کتاب نویسنده به طور مستقیم سراغ اخلاق نمی‌رود.

نیکولو ماکیاولی (۱۳۷۵) شهریار، ترجمه داریوش آشوری؛ به رغم اختلاف نظری که روان‌شاد سیدجواد طباطبایی در مورد ترجمه کتاب با وی دارد و خرده‌هایی بر او می‌گیرد، می‌توان گفت این نسخه از شهریار در میان علاقه‌مندان به ماکیاولی از شهرت بیشتری برخوردار و محل رجوع اندیشمندان ایرانی است.

حمید عنایت (۱۳۹۰)، وی از صفحه ۱۴۹ تا ۱۷۹ کتاب خود یعنی بنیاد فلسفه سیاسی در غرب را به ماکیاولی اختصاص داده است. با توجه به تسلطی که استاد عنایت بر فلسفه غرب دارد، کتاب‌شان خاصه در مبحث ماکیاولی کم‌نظیر است.

ژاک دروز (۱۳۸۵) مقاله ایشان با نام ماکیاولیسیم در کتابی با عنوان فرهنگ اندیشه سیاسی به چاپ رسیده است که روایت جدیدی را از ماکیاولی و ماکیاولیسیم ارائه می‌کند، اما به حوزه اخلاق توجه چندانی ندارد.

هنری توماس و دانالی توماس (۱۳۸۱)، نویسندگان این اثر که صفحات ۱۶۲ تا ۱۷۶ کتاب خود یعنی ماجراهای جاودان در فلسفه را به ماکیاولی اختصاص داده‌اند، می‌توان گفت یکی از بهترین روایت‌ها در مورد اخلاق سیاسی ماکیاولی به شمار می‌رود. در این کتاب سخن از ۱۰ اصل یا ۱۰ فرمان ضداخلاق ماکیاولی (به اقتباس از ۱۰ فرمان اخلاقی موسی) به میان می‌آید.

افزون بر این کتاب‌ها، در هر کتاب مربوط به اندیشه سیاسی یا فلسفه سیاسی غرب به طور معمول مباحثی در مورد ماکیاولی و میراث او داریم؛ از خداوندان اندیشه سیاسی گرفته تا کتاب از افلاطون، تا ناتو یا نظریه‌های نظام سیاسی و... در این مقاله تقریباً به همه این متون مراجعه شده است.

واکوی اخلاق سیاسی در کلیله و دمنه

هنگامی که سرچشمه‌های پیدایی کلیله و دمنه را واکوی می‌کنیم، به این نکته پی می‌بریم که این اثر از جمله کهن‌ترین متون ادبی جهان است؛ چراکه بنیاد و بنیان آن را دو اثر مهم هندی پی‌ریزی می‌کنند. اولین منبع کلیله و دمنه، «پنجه تتره» است

و دومین منبع اصلی آن «مهابهاراته» (دوبلوا، ۱۳۸۲، ۴۴). خاستگاه کلیله و دمنه در هند، دست کم به شش قرن پیش از میلاد برمی گردد و همین ریشه تاریخی است که بسیاری از مفروضات غربیان را به هم می ریزد. تاریخ تفکر اجتماعی و سیاسی در غرب با این مفروضات آغاز می شود: پایه سیاست عقلی را یونان بنیان نهاد، شهرهای آزاد و مستقل بنیاد، یونانی بود و... (آدمیت، ۱۳۷۶، ۷). در سده ششم پیش از میلاد، هند و مغرب زمین روابط فرهنگی پیدا کردند و قصه مهم آن عصر همانا ظهور ایران بود (کریشنن، ۱۳۹۳، ۱۴۹).

خسرو انوشیروان که «دربارش مرکزی برای معرفت تبدیل شده بود، ترجمه متن هایی از یونانی، هندی و زبان های سریانی را تشویق می کرد...». او در غرب به عنوان «شاه فیلسوف» مشهور بود و اعراب او را به عنوان عادل می شناختند» (آکسورتی، ۱۳۹۴: ۹۰). فردوسی در شاهنامه در پایان داستان رستم و اسفندیار به دانش دوستی انوشیروان تصریح می کند:

به گاه شهنشاه نوشیروان / که نامش بماناد تا جاودان

ز هر دانشی موبدان خواستی / که درگاه از ایشان بیاراستی

و بنا بر تصریح استاد عبدالحسین زرین کوب، علاقه ای که خسرو اول به دانش و حکمت یونانی و هندی نشان می داد، به هر علت که بود در هر حال انعکاس وجود نوعی فکر تجددگرایی بود در محیط عصر وی. می گویند وی حتی تصریح می کرد که ممکن است کسانی سخنان خردمندان بگویند که از اوستا و تعلیم اوستایی هم مأخوذ نباشد. همین طرز فکر بود که او را به نقل و ترجمه علوم و معارف یونانی و هندی رهبری کرد... این کنجکاو در مسائل علمی حتی خسرو را به اخذ و اقتباس از معارف هندوان هم متوجه کرد. نه فقط کلیله و دمنه و شطرنج از این ارتباط با هند عاید ایران شد بلکه آشنایی با آیین بودا هم که در نواحی شرقی ایران رواج داشت از اسباب توجه به فرهنگ هند بود (زرین کوب، ۱۳۸۶، ۵۲۳). البته همان طور که دوبلوا ثابت کرده، دست کم بخش هایی از متون پهلوی (اندرز اوشنر دانا) در کلیله آمده است (یارشاطر، ۱۳۸۹، ۳۰۲). بنابراین ایرانیان و هندیان هر دو با یک نیت همسان به کلیله و دمنه پرداختند و آن هم آیین کشورداری و لوازم و آداب آن بود.

هندیان برای زندگی چهار هدف و به نوشته پاره‌ای منابع، سه هدف قایل هستند: ۱- موشکه (احترام به فرد)، ۲- ارته (سیاست)، ۳- کامه (لذت‌جویی) و ۴- دارمه (اخلاق) (کریشن، ۱۳۹۳، ۳۷۸). چنان‌که می‌بینیم یکی از این چهار هدف به اخلاق می‌پردازد. با این حال، فرانسوا دوبلوا معتقد است آنچه در کلیله و دمنه تعقیب می‌شود، نوعی پاداخلاق است. به گفته نام‌برده: «پنجه تنتره» کتاب اخلاق (دارمه) نیست، بلکه بی‌گمان اثری بدون احساس مسؤلیت و رسالت اخلاقی به شمار می‌رود. چه مفاد اساسی آن بسیار نزدیک به چیزی است که ما آن را در اروپا ماکیاولیسم می‌خوانیم. اخلاقی که این کتاب به ما می‌آموزد آن است که انسان زیرک، کامیاب می‌شود و نازیرکان محکوم به شکستند. در این کتاب جزئیات انواع نیرنگ‌ها و خیانت‌ها با اغماض از جنبه‌های اخلاقی آنها وصف می‌شود و تأکید می‌گردد که اینها به‌طور کلی لازمه زندگی و سیاست‌اند (دوبلوا، ۱۳۸۲، ۴۴). روایت ایشان با آنچه پیش‌تر از قول اوکتاویو پاز آوردیم مبنی بر اینکه با آوردن مسائل ضداخلاقی به طریق برهان خلف به اخلاق می‌رسیم (پاز، ۱۳۸۱، ۱۱۰) و نیز با آنچه شوپنهاور در مورد نگرش اخلاقی هندیان قدیم آورده است، همخوانی ندارد. به گفته او: «بودائیان در نتیجه دیدگاه ژرف‌تری که درباره موضوعات اخلاقی و متافیزیکی دارند، از معاصی کبیره آغاز می‌کنند نه از فضایل عالیه؛ زیرا فضایل صرفاً به صورت ضد یا نفی معاصی نمود می‌یابند» (شوپنهاور، ۱۳۹۲، ۵).

نقدی بر فرانسوا دوبلوا

به نظر نگارنده این سطور، آنچه را که شوپنهاور و پاز می‌گویند که طرح موضوعات ضداخلاقی در کلیله و دمنه به نیت رسیدن به اخلاق است، بیشتر مورد قبول است تا آنچه فرانسوا دوبلوا بیان کرده است. برای نمونه، دوبلوا در مورد بخش اصلی و منبع نخست کلیله و دمنه یعنی پنجه تنتره می‌نویسد: چهار تنتره اول نمایانگر فواید زیرکی و نیرنگ‌بازی است. دمنه شغال حيله‌گر، موفق می‌شود میان شیر و گاو را بر هم زند. کبوتر طوق‌دار و یاران او، دشمنان نیرومند را در بند خدعه خود گرفتار می‌کنند. وزیر زیرک غرایبان، بوفان را فریب می‌دهد و تطمیع می‌کند تا بنیاد ایشان ویران گردد. بوزینه هم سنگ‌پشت احمق را فریب می‌دهد و جان به در می‌برد. از سوی دیگر پنجمین پنجه تنتره هم نمایانگر این نکته است که نباید تنها بر هوش و زیرکی خود تکیه کرد، [بلکه] باید به هرکس اجازه داد تا به میل خویش کنار رود (دوبلوا، ۱۳۸۲، ۴۵). با توجه به اینکه در تنتره اول همه اصول اخلاقی تمدن شرقی از جمله وفای به پیمان، مدارا، محبت و گذشت، خویش‌داری، کم‌آزاری و پاس دوستی را داشتن، نقض می‌شود، می‌توان با نظر دوبلوا موافق بود؛

زیرا شیر به افسون و دمدمه دمنه، گاو را می‌کشد تا افزون بر عهدشکنی و دوست‌کشی، متهم به کاناپی و گولی هم بشود و آن اینکه دمنه، شغال فتان و حيله‌گر را جزء مشاوران خود قرار دهد. حال آنکه همان‌طور که ابن مقفع مترجم فاضل کلیله و دمنه به پهلوی و از پهلوی به عربی در کتاب «ادب‌الکبیر» و «رساله فی الصحابه» عنوان می‌کند (ابن مقفع، ۱۳۷۵، ۲۸).

کنفسیوس اعلام کرده بود مهم‌ترین هنر فرمانروا این است که اطرافیانش را از میان نیکان برگزیند. به گفته ماکیاولی، پیرامونیان فرمانروا، نخستین سنجه هوشمندی اویند (محمودی، ۱۳۸۰، ۱۳۵). در وجود شیر و دمنه همه صفات و خصال پاداخلاقی حاکم بر شهریار ماکیاولی را می‌توان مشاهده کرد، اما جای شگفتی است که «دوبلوا» چهار تنتره دیگر را نیز مصداق ماکیاولیسم می‌داند. به‌ویژه داستان کیوتر طوق‌دار را که در آن «داستان دوستان یکدل و کیفیت موالات و افتتاح مؤاخات ایشان و استمتاع از ثمرات مخالصت و برخورداری از نتایج مصادقت» (منشی، ۱۳۸۷، ۱۶۳) را می‌توان مشاهده کرد. اینکه عده‌ای دوستان همدل و مخلص و وفادار در سایه همنوایی، اتحاد و اطاعت نجات می‌یابند، هیچ‌گونه عمل و احساس غیراخلاقی بودن به چشم نمی‌خورد. همان‌طور که در پایان این داستان از قول موش، دوست کیوتر طوق‌دار می‌گوید: «عادت اهل مکرمت این است و عقیدت ارباب مودت بدین خصلت پسندیده و سیرت ستوده در موالات تو صافی‌تر گردد و ثقت دوستان به کرم عهد تو بیفزاید...» (منشی، ۱۳۸۷، ۱۶۳). در واقع داستان نمونه‌ای برجسته از اخلاق جوانمردی، وفاداری، حق‌شناسی و رعایت جان دوستان را کرده است و نمونه‌ای عالی از قصه‌ای اخلاقی است که ماکیاولیسم در آن هیچ جایی ندارد. بنابراین داوری دوبلوا یکسره نادرست است.

واکوی اخلاق سیاسی در کتاب شهریار

در مورد ماکیاولیسم و مشهورترین و یکی از موجزترین آثارش یعنی شهریار تاکنون به کرات سخن رفته است. در اینجا مجال آن نیست که در مورد زندگی‌نامه عبرت‌آموز خود ماکیاولی بحث کنیم، فقط در مورد بدنامی او همین بس که «به نظر جمعی اصطلاح old nick که در انگلیسی عامیانه به معنای شیطان می‌آید، از نام اول ماکیاولی (نیکولو) گرفته شده است» (عنایت، ۱۳۹۰، ۱۵۵) و برخی ماکیاولی را شیطان، حسابگر و حيله‌کار خوانده و شهریار او را «کردارنامه دزدان بزرگ» نامیده‌اند (محمودی، ۱۳۸۰، ۹۲). روش علم‌الاخلاق ماکیاولی حاوی اصول نوبنی از ستمکاری و سرکشی پرحادثه و مشحون از کینه‌توزی و مکاری بود.

او بر این عقیده بود که: «نیک‌بختان، لئیمان و فرومایگانند. اینانند که جهان را به ارث می‌برند» (توماس، ۱۳۸۱، ۱۶۴۰). پاره‌ای از صاحب‌نظران بر این اعتقادند که ماکیاولی «نه با اخلاق سر ستیز دارد و نه در ساحت نظر، منکر حسن ذاتی آن است. او شهریار پایبند به عهد و پیمان، درست‌کردار و بی‌نیرنگ را دوست دارد اما رخدادهای زندگی به او آموخته است که آن شهریارانی بختیار و پیروز بوده‌اند که درست‌کرداری فرو نهاده و با نیرنگ بر راستان چیره شده‌اند» (محمودی، ۱۳۸۲، ۹۱). اما به نظر، این یک دفاع نسنجیده یا یک ساده‌دلی عامیانه است؛ زیرا اگر هم بپذیریم که ماکیاولی پروای اخلاق دارد، اما پایبند اخلاقی است که خودش می‌تراشد. به نوشته آیزا برلین او (ماکیاولی) نخستین متفکری است که روشن کرد در جامعه دو نوع اخلاق وجود دارد. یکی اخلاق شرک مبتنی بر توانمندی، زور، حب تشخص، قدرت‌طلبی و جلال‌خواهی، مقاومت رواقی‌وار در برابر رنج و بدبختی، جسارت جمهوری‌خواهی، میهن‌دوستی مدنی به شیوه جمهوری دوم و امپراتوری قدیم. اخلاق دیگر، فضایل مسیحی است؛ تواضع، ترک دنیا، تدارک برای جهان آخری و فرونهادن قدرت دنیوی به سود آخرت، باور به قداست قربانی‌شدن و همدلی با مغلوب نه با غالب. البته ماکیاولی به‌طور مشخص نمی‌گوید که کدام‌یک از این دو اخلاق بر دیگری رجحان دارد، اما روشن است که او کدام را ترجیح می‌دهد. پیداست که زندگی ناب مسیحی مورد نظر نیست (برلین، ۱۳۷۱، ۶۶).

شوینهاور این دوگانگی اخلاقی ماکیاولی را در حوزه فرد و اجتماع از هم تفکیک می‌کند. او می‌گوید جان کلام ماکیاولی این است: «در حالی که قطعاً میان یک فرد و فرد دیگر و تا جایی که به قانون و اخلاقی بودن روابطشان مربوط می‌شود، اصل «آنچه را بر خود نمی‌پسندی بر دیگران می‌پسند» مصداق دارد، در مورد ملت‌ها و در سیاست عکس این اصل اقتضا می‌کند؛ آنچه را بر خود نمی‌پسندی بر دیگران می‌پسند!» (شوینهاور، ۱۳۹۲، ۳۰).

ماکیاولی در نوشتن کتاب شهریار از یک دولتمرد الگوبرداری می‌کند و آن «سزار بورژیا» فرزند پاپ الکساندر ششم است که در سال ۱۵۰۲م با وی آشنا شد. قهرمان کتاب همین شخصی است که ماکیاولی کارهایش را با آب‌وتاب فراوان در بخش هفتم شهریار ستوده است (عنایت، ۱۳۹۰، ۱۵۴). سزار بورژیا خدای ریاکاری و استاد فن آدم‌کشی بود. او با قتل برادر، داماد و دیگر خویشان و دوستانش که سد راهش بودند، دوک ایتالیا مرکز شد (توماس، ۱۲۸۱، ۱۶۲). ماکیاولی حتی در نویسندگی نیز پروای اصول اخلاقی را نداشت و گاهی همچون پاره‌ای سیاست‌مداران، حرف‌های پیشین خود را نقض می‌کرد. او در یکی از آثارش به نام

«مقالات» این ضرب‌المثل لاتین را که می‌گفت «صدای مردم صدای خداست» تأیید کرد، ولی بعد در کتاب شهریار، اصلی کاملاً مغایر با آن را تبلیغ کرد و گفت صدای مردم، لعنتی و شوم است» (توماس، ۱۳۸۱، ۱۶۵).

اصول پاداخلاق ماکیاولی یا احکام ۱۰ گانه او را که بر سراسر کتاب شهریار سایه افکنده است به صورت زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱- فقط در پی منافع و علایق خویش باش. ماکیاولی بشر را موجودی سودجو و قدرت‌طلب می‌داند که در مهر و ترس، راه نفوذ در هموعان خویش را جست‌وجو می‌کند. در کتاب شهریار می‌خوانیم: مردم مرگ پدر را زودتر فراموش می‌کنند تا از دست رفتن میراث پدر را (ماکیاولی، ۱۳۷۵، ۱۰۹).

۲- هیچ‌کس را جز خود محترم بشمار. می‌گوید کسی که موجب می‌شود دیگران بزرگ شوند و قدر یابند به خود ستم می‌کند (توماس، ۱۳۸۱، ۱۶۸).

۳- بدی کن ولی چنان بنما که قصد نیکی داری. «فرمانروای کامیاب کسی است که در همان آنی که مردم را لگدکوب می‌کند، به آنها بقبولاند که حامی و حافظ آنهاست» (توماس، ۱۳۸۱، ۱۶۹).

۴- طماع باش و در جمع مال بکوش. در باب آدمیان بر روی هم می‌توان گفت ناسپاس‌اند، زبان‌باز و فریبکار، ترسو، سودجو و سرسپرده تو هستند تا زمانی که سودی به ایشان رسد و آنگاه که خطری در میان نباشد... به زبان آماده‌اند جان و مال و فرزندان خود را فدای تو کنند اما آن روزی که خطر در میان باشد، از تو روی برتابند (ماکیاولی، ۱۳۷۵، ۱۰۸).

۵- خسیس باش. ماکیاولی بر این اعتقاد بود که خست و لثامت شهریار بهتر از سخاوت او است؛ زیرا سبب کاهش بار مالیات‌ها می‌شود (بلوم، ۱۳۷۳، ۴۳۸).

۶- خشن و بی‌رحم باش. اخلاق سودگرایانه، ماکیاولی را به تجویز خشونت وامی‌دارد. اگر کاربرد خشونت به امنیت و سامان‌یابی کشور بینجامد، شهریار باید در اعمال آن درنگ نکند. اگر شهریار را سنگدل بنامند، باکی نیست... (محمودی، ۱۳۸۰، ۹۸). ماکیاولی می‌گوید: فقط یک بی‌رحم و شقی می‌تواند سلطانی موفق

باشد. سلاطین انسان دوست و خوش خو که دوستدار عدل و داد و دشمن شقاوت و ستمگری هستند، فرجامی وخیم دارند (توماس، ۱۳۸۱، ۱۷۱).

۷- تا فرصت می یابی در پی نیرنگ و فریب باش. به گفته او، تجربه روزگار نشان می دهد آن شهرداریانی کارهای سترگ کرده اند که به پاکدلی ارجی ننهاده اند و با زیرکی خود، اذهان را به اشتباه انداخته اند (عنایت، ۱۳۹۰، ۱۶۵). به عقیده ماکیاولی، شهریار بهتر است سخی، رحیم، امین و مذهبی انگاشته شود اما بتواند به اقدام هایی دست بزند که درست مغایر این صفت ها باشد (بلوم، ۱۳۷۳، ۴۳۸).

۸- دشمنان را از میان بردار و در صورت لزوم به دوستان هم رحم نکن. درست همانند شیر در کلیله و دمنه که دوست مخلص و مشفق خویش یعنی گاو را می کشد.

۹- در رفتار با مردم، زورگویی را بر نرمش برتری ده. او در کتاب شهریار تأکید می کند می باید دانست که برای ستیزیدن دواره در پیش است؛ یکی با قانون و دیگری با زور. روش نخستین درخور انسانی است و دومین، روش دادن و از آنجا که روش نخستین چه بسا کارآمد نیست، ناگزیر به دومین روی می باید آورد (ماکیاولی، ۱۳۷۵، ۱۱۱).

۱۰- در باب هیچ چیز غیر از جنگ میندیش. «جنگ تنها هنری است که به کار فرمانروا می آید» (توماس، ۱۳۸۱، ۱۷۳).

تطبیق گزاره های از کلیله و دمنه با شهریار

درس گرفتن از تاریخ و تجربه پیشینیان، یکی از وجوه مشترک هر دو کتاب است. ماکیاولی می گوید: شهریار باید بداند که چگونه از حکایات آدمزادگان و درندگان عبرت بگیرد و... (عنایت، ۱۳۹۰، ۱۶۶). در کلیله و دمنه نیز چنین آمده است: نیکوتر آنکه سیرت های گذشتگان را امام ساخته و تجارب متقدمان را نمودار عادت خویش گردانیده آید (مینوی، ۱۳۸۷، ۴۷). هم در شهریار پیوسته مثال هایی از تاریخ می آید که به گفته استاد عنایت گاهی ملال آور می شود و هم در کلیله و دمنه از طریق مراجعه به قصه، حکایتی تاریخی نقل می شود.

ماکیاولی عقیده دارد که مال دوستی و خاصه جاه طلبی در دل های آدمیان ریشه های چندان استواری دارد که به هر مقامی ارتقا یابند از میان نمی رود. در کلیله

و دمنه و در باب برزویه طبیب چنین آمده است: نفس خویش را میان چهار کار که تکاپوی اهل دنیا از آن نتواند گذشت مخیر گردانیدم. وفور مال و لذات حال و ذکر سایر ثواب باقی ثروت زیاد و ذکر سایر (جاه‌طلبی) همان دو انگیزه‌ای است که ماکیاولی هم به آن اشاره می‌کند.

در فصل هجدهم کتاب شهریار، کشتار و قتل برای حفظ قدرت شهریار، زیرپانهادن قول و پیمان، رجحان زور بر قانون و بر دیپلماسی را مورد تأکید قرار می‌دهد. در باب شیر و گاو که عمیق‌ترین داستان کلیله و دمنه است، همین موضوعات مورد تأیید قرار می‌گیرد. شیر بر اثر دسیسه‌هایی که دمنه می‌چیند، برای حفظ قدرت خویش پیمانی را که با گاو بسته و به او امان داده است، پس از احساس خطر، نقض می‌کند و گاو را می‌کشد. به‌طور کلی نحوه پرداختن ماکیاولی به فضایل و رذایل از فصل پانزدهم تا هجدهم مشابهتی شگفت‌انگیز با همان فضایل و رذایی دارد که دمنه در طول زندگی خویش در باب شیر و گاو به آن می‌پردازد.

همچنین در کتاب شهریار می‌خوانیم: هرکس بخواهد در همه‌جا پرهیزکار باشد، در میان این همه ناپرهیزکاری، سرنوشتی جز ناکامی نخواهد داشت! از این رو شهریاری که بخواهد شهریاری را از کف نهد باید شیوه ناپرهیزکاری را بیاموزد و هر جا که نیاز باشد به کار بندد (ماکیاولی، ۱۳۷۵، ۱۱). در کلیله و دمنه، شیر در هلاک گاو رفتن را گناه می‌داند لیکن دمنه او را مجاب می‌کند که برای حفظ قدرت و شوکت باید این تفکر را به کنار نهد.

نتیجه‌گیری

در مطالعات مربوط به حوزه سیاست و ژانرهای سیاسی، مطالعات فرهنگی و تمدنی و مقایسه با شیوه‌های ماتریالیستی و اکونومیستی از اهمیت بیشتری برخوردار است. موقعی که از فرهنگ سخن به میان می‌آید، بی‌گمان ادبیات در کانون آن قرار می‌گیرد و در مباحث ادبی، سیر تطور و تکامل زبان و لغت یا فیلولوژی امری محوری است. پژوهشگرانی که در تحلیل‌ها و رهیافت‌های خویش از این نکته غافل مانده باشند، چندان راه به جایی نخواهند برد. هر چند کارشناسان برجسته این حوزه بر مشابهت‌های کلیله و دمنه و شهریار تکیه و تأکید کرده‌اند، اما این مطلب تنها در نگاه سطحی اولیه درست به نظر می‌رسد؛ زیرا در محوری‌ترین داستان ضد اخلاقی کلیله و دمنه یعنی شیر و گاو که دمنه مهم‌ترین شخصیت غیر اخلاقی و ماکیاولیستی است، در پایان همان داستان رفتار دمنه مورد نقد قرار می‌گیرد: «و عواقب مکر و

غدر همیشه نامحمود بوده است و خواتم بدسگالی و کید، نامبارک». در سایه داستان‌های این کتاب، حکمت، خرد، دانش و اخلاق بر اعمال نکوهیده و غیراخلاقی برتری دارد؛ حال آنکه در شهریار بر روی هم رفتارهای غیراخلاقی و کردارهای ناپسند هرگز مذموم شمرده نمی‌شود و اخلاق‌گریزی و اخلاق‌ستیزی امری معمول و حتی پسندیده - دست‌کم برای قهرمان کتاب- به حساب می‌آید. بنابراین، این دو اثر چه از نظر کَمی و چه از حیث کیفی با هم تفاوت‌هایی آشکار دارند که شباهت‌های پاداخلاقی آن دو در سایه این تفاوت‌ها رنگ می‌بازد. کلیله و دمنه اثری به راستی همه‌جانگر، ریشه‌دار، حکمی، علمی و در یک کلام تمدنی است با ادبیاتی فخیم و پرمایه؛ درحالی‌که کتاب شهریار در مقایسه با آن یک مانیفست سیاسی به حساب می‌آید.

جای آن دارد که پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی، به‌ویژه علوم سیاسی، به ابعاد گوناگون کلیله و دمنه بیشتر بپردازند. این کتاب می‌تواند به غنای بیشتر علم سیاست و به بومی‌کردن این دانش کمک کند.

منابع

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۷۶)، **تاریخ فکر از سومر تا یونان و روم**، تهران، انتشارات روشنگران.
۲. آکسورتی، مایکل (۱۳۹۴)، **امپراتوری اندیشه**، ترجمه شهریانو صارمی، تهران، انتشارات ققنوس.
۳. ابن مقفع، عبدالله (۱۳۷۵)، **ادب‌الکبیر و ادب‌الصغیر**، ترجمه محمودوحید گلپایگانی، تهران، بنیاد نیشابور.
۴. اقلیدی، ابراهیم (۱۳۹۰)، **هزار و یک شب** (ترجمه)، تهران، نشر مرکز.
۵. اکتاوو پاز، لوزانو (۱۳۸۱)، **تک‌خوانی دوصدایی**، ترجمه کاوه میرعباسی، تهران، نشر نی.
۶. برلین، آیزایا (۱۳۷۱)، **در جستجوی آزادی**، ترجمه خجسته کیا، تهران، انتشارات گفتار.
۷. بلوم، ویلیام تی (۱۳۷۳)، **نظریه‌های نظام سیاسی**، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر آران.
۸. توماس، هنری و توماس، دانالی (۱۳۸۱)، **ماجراهای جاودان در فلسفه**، ترجمه احمد شهسا، تهران، انتشارات ققنوس.

۹. جینز، جولیان (۱۳۹۲)، **خاستگاه آزادی**، ترجمه خسرو پارسا و دیگران، تهران، نشر آگه.
۱۰. دروز، ژاک (۱۳۸۵)، **ماکیاولیسم**، در: **فرهنگ اندیشه سیاسی**، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، نشر نی.
۱۱. دوبلوا، فرانسوا (۱۳۸۲)، **برزویه طبیب و منشأ کلیله و دمنه**، ترجمه صادق سجادی، تهران، انتشارات طهوری.
۱۲. دیچز، دیوید (۱۳۶۹)، **شیوه‌های نقد ادبی**، ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، تهران، نشر آگه.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، **تاریخ در ترازو**، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۴. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳)، **با کاروان اندیشه**، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۵. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶)، **تاریخ مردم ایران**، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۶. سجادی، سیدمحمد صادق (۱۳۸۲)، **پیشگفتار مترجم بر کلیله و دمنه**، تهران، انتشارات طهوری.
۱۷. سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۶۹)، **دایره‌المعارف ادبی**، ترجمه و تألیف عبدالحسین سعیدیان، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۸. شوپنهاور، آرتور (۱۳۹۲)، **در باب طبیعت انسان**، ترجمه رضا ولی‌یاری، تهران، نشر مرکز.
۱۹. شوپنهاور، آرتور (۱۳۹۳)، **اخلاق، قانون و سیاست**، ترجمه عظیم جابری، تهران، انتشارات افراز.
۲۰. عضدانلو، حمید (۱۳۷۳)، **شهریار و شهریار مدرن**، مطالعه تطبیقی درباره **عقاید ماکیاولی و گرامشی**، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۹۳-۹۴.
۲۱. عنایت، حمید (۱۳۹۰)، **بنیاد فلسفه سیاسی در غرب**، تهران، انتشارات زمستان.
۲۲. فریزر، جیمز جورج (۱۳۸۷)، **شاخه زرین**، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، نشر آگه.
۲۳. قریب، عبدالعظیم (۱۳۳۲)، **مقدمه بر لغات کلیله و دمنه** تألیف ایرج دهقان، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

۲۴. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۶)، اخلاق و سیاست: اندیشه سیاسی در عرصه عمل، تهران، نشر قومس.
۲۵. کریشنان، رادا (۱۳۹۳)، ادیان شرق و فکر غرب، ترجمه صادق رضازاده شفق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. لوکاچ، جورج (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی رمان، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران، انتشارات تجربه.
۲۷. ماکیاولی، نیکولو (۱۳۷۵)، شهریار، ترجمه داریوش آشوری، تهران، نشر مرکز.
۲۸. محمودی، علی (۱۳۸۰)، ماکیاولی و نگرشی نو به اخلاق و سیاست، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۷۴-۱۷۳.
۲۹. محمودی، علی (۱۳۷۷)، نظریه آزادی در فلسفه سیاسی هابز و لاک، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۰. منشی، نصرالله (۱۳۸۷)، کلیله و دمنه، بر اساس نسخه مجتبی مینوی، تهران، انتشارات زوار.
۳۱. یارشاطر، احسان (۱۳۸۹)، تاریخ ادبیات فارسی، ج ۷، زیر نظر یارشاطر، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، انتشارات سخن.